



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان  
علمی - پژوهشی  
سال یازدهم، شماره‌ی ۲۲، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۵

## سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشورهای اسلامی

محمد جعفری\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱

### چکیده:

هدف اصلی مقاله حاضر سنجش عوامل مؤثر بر میزان شادمانی در ۳۰ کشور اسلامی منتخب، طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۷ است. به این منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری، امید به زندگی و شاخص‌های محدودیت‌های مذهبی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج اصلی این مقاله حاکی از آنست که در کشورهای مورد مطالعه الف) با افزایش درآمد سرانه، شادی نیز افزایش می‌یابد. ب) بیکاری و تورم اثر کاهنده بر شادی دارند و شدت اثرگذاری منفی نرخ بیکاری بر سطح شادمانی نسبت به نرخ تورم بیش‌تر است. ج) افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی به‌عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی، با شادی کم‌تری همراه شده است. د) امید به زندگی با اثرگذاری مثبت، بیش‌ترین تأثیر را بر میزان شادمانی داشته است. در یک نتیجه‌گیری کلی حاصل از سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشورهای اسلامی، می‌توان گفت کشورهای ثروتمندتر، با نرخ بیکاری، نرخ تورم و محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و با متوسط عمر بالاتر، شادمان‌تر می‌باشند.

**کلمات کلیدی:** شادی، رضایت از زندگی، کشورهای اسلامی، روش‌گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM).

طبقه‌بندی JEL: E20, O40, Z12.

---

\* استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه لرستان ایران  
(Email: Mohjafari@gmail.com)

## ۱- مقدمه

شاید بتوان گفت یکی از مهیج‌ترین و جالب‌ترین تغییرات در علم اقتصاد، حداقل در سال‌های اخیر، معرفی ایده‌ای به نام «شادی» بوده است. در گذشته بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک برای اندازه‌گیری رفاه فردی بیش‌ترین توجه خود را بر روی ثروت، دارایی، مصرف و یا کل پول موجود در دست فرد معطوف می‌کردند. ولی امروزه، مفهومی به نام شادی، در مقایسه با مفاهیم رفاه مادی، جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرده است (گراهام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). مطالعات تجربی مختلف نشان داده است که میزان شادی و رضایت از زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای در عملکردهای اقتصادی آنها برخوردار است؛ زیرا رضایت از زندگی سبب بهبود هوش، توانایی، انگیزه و به‌دنبال آن افزایش بهره‌وری خواهد شد. درحالی‌که غم و اندوه سبب بی‌تفاوتی و رخوت و در نتیجه کاهش بهره‌وری می‌شود. بنابراین در کشورهایی که مردم شادتر و از زندگی راضی‌ترند، رشد اقتصادی نیز بالاتر خواهد بود (لی و لیو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹: ۲). از این‌رو شناسایی عوامل مؤثر بر شادی از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به این توضیحات، در این مقاله سعی بر آن است تا با استفاده از داده‌ها و اطلاعات آماری مربوط به ۳۰ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی<sup>۳</sup> (OIC) طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۷، به بررسی اثر پنج متغیر: درآمد سرانه، نرخ بیکاری، نرخ تورم، امید به زندگی و شاخص‌های محدودیت‌های مذهبی بر شادمانی پرداخته شود.

## ۲. پیشینه تحقیق

### ۲-۱. مطالعات خارجی

بر طبق بررسی دی‌تلا و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۳)؛ طی سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۷۵ برای اتحادیه اروپا، کاهش نرخ بیکاری سبب افزایش رضایت از زندگی شده است. دلیل این مسئله

---

1. Graham  
 2. Li & Lu  
 3. Organization of Islamic Conference  
 4. Di Tella *et al.*

می‌تواند اثرات مستقیم بیکاری بر جرم و جنایت و امور مالی و همچنین وضعیت بد اقتصادی باشد. در زمینه اثرات آزادی مذهبی بر رفاه اقتصادی آلون و چیس<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)؛ پژوهشی انجام دادند. آزادی موردنظر آن‌ها شامل آزادی پرستش، آزادی از آزار مذهبی، آزادی مطبوعات دینی و سازمان‌های مذهبی است. براساس نتایج این مطالعه آزادی‌های مذهبی تأثیر مثبت و معناداری بر رفاه یک کشور دارد. کلارک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)؛ با استفاده از داده‌های مقطعی، رابطه بین درآمد و خوشبختی را مورد بررسی قرار داده‌اند. طبق نتایج آن‌ها افراد ثروتمند به‌طور متوسط رفاه، ذهنی بالاتری خواهند داشت. کلارک و لکز<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)؛ با استفاده از نظرسنجی ۹۰ هزار نفر در ۲۶ کشور اروپایی دریافتند که به‌طور متوسط دینداری در هر منطقه اثر مثبتی بر رضایت از زندگی داشته است و مردم در مناطق مذهبی‌تر رضایت بیشتری دارند. نابه و راتزل<sup>۴</sup> (۲۰۱۰)؛ در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین درآمد و شادی در بین افراد فعال جامعه (بازه سنی ۶۵-۱۸) طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۹۹ و برای کشور آلمان پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از مدل پانل‌دیتا به‌صورت لگاریتمی به این نتیجه رسیده‌اند که تأثیر درآمد بر روی شادی مثبت است، اما بعد از یک حد مشخص این اثر منفی می‌شود. به این‌صورت که تقاضا برای درآمد بالاتر نیازمند کار و تلاش بیشتری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت و شادی است. لیم و پاتنام<sup>۵</sup> (۲۰۱۰)؛ به ارزیابی رابطه بین دین و مذهب و رضایت از زندگی پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از داده‌های ترکیبی نشان داده‌اند که مردم مذهبی از زندگی خودراضی‌تر هستند، زیرا آن‌ها مرتباً در مراسم مذهبی شرکت و با دوستان خود ملاقات می‌کنند. روپراه و لیوانگاس<sup>۶</sup> (۲۰۱۰)؛ در مقاله‌ای به بررسی اثر تورم و بیکاری بر شادی در کشورهای آمریکای لاتین پرداخته‌اند. آن‌ها با استفاده از

---

1. Alon & Chase

2. Clark *et al.*

3. Clark & Lelkes

4. Knabe & Rätzl

5. Lim & Putnam

6. Ruprah & Luengas

داده‌های شادی ذهنی نشان داده‌اند که هم بیکاری و هم تورم، شادی را در این کشورها کاهش می‌دهد. هم‌چنین دینر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳)؛ در بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی نشان داده‌اند که تغییرات GDP سرانه به‌طور معناداری بر رضایت از زندگی مؤثر است.

## ۲-۲. مطالعات داخلی

بختیاری و فتح‌آبادی (۱۳۸۹)؛ تأثیر بیکاری و تورم را با شادی و رفاه در کشورهای آسیایی منتخب بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش با به‌کارگیری روش داده‌های تلفیقی نامتوازن، بیانگر آن است که تورم و بیکاری هر دو باعث کاهش سطح شادی در کشورهای مورد مطالعه شده‌اند؛ که اثرگذاری بیکاری بیش‌تر از نرخ تورم بوده است. نیلی و بابازاده خراسانی (۱۳۹۱)؛ در مطالعه‌ای به شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران طی دو سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش به‌طور کلی، از تأثیر عوامل درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جمعیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی حکایت دارند. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲)؛ به بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش روش حداکثر راست‌نمایی داده‌های تابلویی احتمالات ترتیبی برای داده‌های پرسش‌نامه‌ای دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ به‌کار گرفته شده است. یافته‌های تجربی نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار درآمد بر شادی نیروی کار در ایران است.

## ۳. چارچوب نظری

اقتصاد شادی<sup>۲</sup>، شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است که به‌طور معمول با ترکیب اقتصاد با زمینه‌های دیگر مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، به مطالعه کمی و نظری از شادی، احساسات مثبت و منفی، رفاه، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و مفاهیم مرتبط با آن می‌پردازد (گراهام، ۲۰۰۸). ورود تحلیل‌های شادی به مباحث اقتصادی از آن‌جا نشئت می‌گیرد که استرلین<sup>۳</sup> (۱۹۷۴) هم‌بستگی بین رشد اقتصادی و شادی افراد را

---

1. Diener *et al.*  
 2. Happiness Economics  
 3. Easterlin

مورد آزمون قرار داد. نتیجه بررسی ۲۰ ساله استرلین حاکی از آن بوده است که با وجود رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا، سطح شادی افزایش چندانی از خود نشان نمی‌دهد، که این مسئله بعدها به «تناقض استرلین»<sup>۱</sup> معروف شده است. نتیجه مطالعات استرلین این بوده است که ارتباطی بین توسعه اقتصادی جوامع با متوسط سطح شادی مردم وجود ندارد. با وجود این که دیگر اقتصاددانان مسئله تناقض استرلین را بعدها رد کردند، اما باید مطالعات استرلین را به‌عنوان آغازگر مباحث شادی دانست، به‌طوری که تئوری اودر زمینه‌های ارتباط بین درآمد و شادی افراد، یکی از مقالات بزرگ و مطرح در ادبیات اقتصاد شادی است که تأثیر فاکتورهای متعدد و گوناگون را روی شادی فردی تحلیل می‌کند (استیونسون و ولفرس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). فرض‌های اصلی این مطالعات بر این است که به‌طور حتم مردم می‌خواهند شاد باشند و ترجیح می‌دهند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که آن‌ها را شاد می‌کند نه فعالیت‌هایی که آن‌ها را ناراحت می‌کند (مگر این که در عمل تجربه، چیز دیگری را نشان دهد). بحث شادی و نسبی بودن تعریف آن بسته به فرهنگ‌ها و دیگر عوامل مؤثر نشان می‌دهد که متغیری به‌نام شادی نه یک شاخص عینی، بلکه یک شاخص ذهنی است، به‌طوری که این شاخص در تحلیل‌های رفاهی، رفاه ذهنی را مورد بررسی قرار می‌دهد که در آن افراد، سطح رفاه معینی را در ذهن خود و با توجه به اثر فاکتورهای گوناگون (اقتصادی و غیراقتصادی) درک می‌کنند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا افراد مختلف سطوح متفاوتی از شادی و رضایت‌مندی را در زندگی خود احساس می‌کنند؟ فاکتورهای گوناگونی را می‌توان برشمرد که بر سطح شادی افراد تأثیر می‌گذارند، در نتیجه یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران شادی، تجزیه و تحلیل این مسئله است که چه شرایطی بر سطح شادی و رضایت‌مندی فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد. اما نکته اصلی که باید در این مطالعه مورد توجه قرار گیرد، این است که پژوهش‌های مربوط به شادی اقتصادی نباید فقط به

---

1. Easterlin Paradox  
2. Stevenson & Wolfers

تحلیل فاکتورهای اقتصادی بر روی رفاه ذهنی افراد یا همان مقوله شادی، محدود شود. مطالعاتی که در زمینه شادی وجود دارند، می‌کوشند تا اهمیت نسبی جنسیت، شخصیت، عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به صورت کمی و کیفی مشخص کنند. به هر حال عوامل گوناگون اجتماعی - اقتصادی نظیر امید به زندگی، درآمد، رشد جمعیت، توزیع درآمد، بیکاری، سطح تحصیلات، نرخ جرم و آزادی‌های مدنی می‌توانند از جمله موارد مؤثر بر شادی باشد (لی و لیو، ۲۰۰۹). در ادامه به اختصار به بررسی مهم‌ترین این متغیرها که در اکثر مطالعات تجربی و پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌پردازیم.

### درآمد

چگونگی ارتباط بین درآمد و شادی، سؤال مهمی است که نظر اقتصاددانان را به خود جلب کرده و در مطالعات تجربی گوناگونی مورد توجه قرار گرفته است. امروزه اجماع نظر بر این است که درآمد تأثیر مثبت بر روی رفاه فردی و شادی بر جای می‌گذارد و این ارتباط از نظر آماری معنادار و از نظر مقداری و کمی نسبتاً کوچک است. گواه و شاهی که برای این یافته‌ها وجود دارد، می‌توان در مطالعات افرادی مانند فری و استاتزر (۲۰۰۰)، ون‌پراگ و کربونل<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) و ساکس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) مشاهده کرد. زیرا درآمد به علت ایجاد فرصت به دست آوردن کالاهای مورد خواست بشر و نیز به علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر، می‌تواند موجب افزایش رفاه و شادی شود. این در حالی است که نتایج تجربی اندکی از پژوهش‌ها، نظیر پژوهش استرلین (۱۹۷۴) حاکی از نبودن رابطه بین درآمد و سطح شادی است. یا این که نتایج مطالعه نابه و راتزل (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که اثر درآمد بر روی سطح شادی به شکل U معکوس است. به این صورت که با افزایش درآمد تا یک حد مشخص، شادی افزایش می‌یابد؛ اما بعد از

---

1. Van Praag & Carbonel  
2. Sacks *et al.*

گذشتن از این حد، چون تقاضا برای درآمدهای بالاتر نیازمند کار و تلاش بیش‌تری است و کار بیش‌تر عاملی برای کاهش مطلوبیت است، سطح شادی کاهش می‌یابد.

### تحصیلات

تحصیلات دارای تأثیر غیرمستقیم بر رفاه ذهنی و شادی افراد است. تحصیلات به افراد اجازه می‌دهد تا به اهداف و خواسته‌هایشان زودتر دست پیدا کنند یا با تغییرات اتفاق افتاده در دنیای اطرافشان بهتر تطابق یابند. از سوی دیگر، احتمالاً تحصیلات انتظارات را بالا می‌برد. همان‌طور که کلارک و اوسوالد<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) نشان داده‌اند، افراد با تحصیلات بالاتر نسبت به افرادی که از سطح تحصیلات کم‌تری برخوردارند، زمانی که بیکار می‌شوند بیش‌تر دچار بحران روحی، تنش و اضطراب می‌شوند و یا به‌عبارت دیگر بیش‌تر آسیب می‌بینند. جدا از مسئله کار، این گروه افراد به‌دلیل سطح توقعات و انتظارات بالاتر، بیش‌تر آزار می‌بینند. بنابراین در صورتی که توقعات و انتظارات افراد برآورده نشود، تحصیلات می‌تواند با رفاه افراد تداخل ایجاد کند. برآورده نشدن انتظارات نیروی کار به‌دلیل بیکاری و یا نامناسب بودن شغل از نظر نامرتبط بودن با رشته تحصیلی، سطح پایین دستمزد، به ناتوانایی در به‌کارگیری آموزه‌های نظری به‌صورت عملی، منجر می‌شود تا تأثیر تحصیلات بر رضایت‌مندی و شادی تبدیل به یک فاکتور بی‌معنی و حتی منفی شود.

### بیکاری و تورم

بیکاری اثرات مخرب روحی و جسمی متفاوتی در پی دارد. از جمله اثرات بیکاری می‌توان به افسردگی، تشویش و نگرانی، از دست رفتن اعتماد به نفس و کنترل روانی اشاره کرد. به‌علاوه، بیکاری از طریق فشارهای اجتماعی ناشی از ارزش شمرده شدن کار در اجتماع نیز بر سطح شادی و رفاه بیکار مؤثر است (فری، ۲۰۰۸). در مورد تورم نیز می‌توان انتظار داشت که افزایش این متغیر اثر منفی بر سطح شادمانی داشته باشد. تورم

---

1. Clark & Oswald

موجب افزایش نگرانی‌ها هم در بین قشرهای کم‌درآمد و هم در بین اقشار پردرآمد می‌شود. نگرانی گروه‌های درآمندی پایین، به علت کاهش قدرت خرید و نگرانی گروه‌های درآمندی بالا ناشی از تلاش برای تشکیل سبدهای دارایی کم‌ریسک است. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که به منظور افزایش شادی، چه سیاستی باید توسط سیاست‌گذاران اتخاذ شود؟ کاهش بیکاری یا کاهش تورم؟ چرا که در ادبیات اقتصادی و با توجه به «منحنی فیلیپس»، در کوتاه‌مدت دستیابی به دو هدف اقتصاد کلان، یعنی کاهش سطح عمومی قیمت‌ها (ثبات قیمت‌ها) و کاهش بیکاری (با دستیابی به اشتغال کامل) به طور هم‌زمان امکان‌پذیر نیست. با فرض این که یک کشور دارای اقتصاد متعارف است، سیاست‌گذاران باید یکی از دو هدف فوق را برای سیاست‌گذاری انتخاب کنند. این انتخاب با توجه به شدت میزان اثرگذاری این دو متغیر انجام می‌شود (روپراه و لیوانگاس، ۲۰۱۰).

### محدودیت‌های مذهبی<sup>۱</sup>

شاخص محدودیت‌های مذهبی با استفاده از قوانین، سیاست و اقداماتی که دولت‌ها بر اعتقادات مذهبی مردم وضع می‌کنند، قابل اندازه‌گیری است. این محدودیت‌ها شامل خشونت‌های فرقه‌ای، آزار و اذیت در نحوه لباس پوشیدن، ممنوعیت گذاشتن ریش، ممنوعیت در ساخت مناره و عبادت‌گاه و بسیاری از محدودیت‌ها، تهدیدات و سوءاستفاده‌های مذهبی می‌شود. در برخی از کشورهای اسلامی، نظیر یمن، علیه مسیحیان با شیوه‌هایی نظیر جلوگیری از استخدام در بخش دولتی و تحصیل در دانشگاه دولتی تبعیض قائل شده و مروجین این ادیان را دستگیر می‌کنند. برخی کشورها محدودیت‌هایی در زمینه پوشیدن حجاب دارند. برای مثال در عمان زنان مجازند در عکس گذرنامه و برخی عکس‌های اداری روسری و حجاب داشته باشند ولی مجاز به حجاب کامل در عکس‌های رسمی نیستند؛ یا در کشور الجزایر دولت به کارمندان اجازه گذاشتن روسری یا صلیب بزرگ در محل کار داده ولی آن‌ها را از نقاب



گذاشتن منع کرده است. در کشورهایی نظیر فرانسه به مردم اجازه پوشیدن روسری و صلیب داده نمی‌شود (گريم<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲: ۸۵۴). به هر حال مشخص است که هرچه محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و در واقع مردم در انتخاب دین و تغییر عقاید خود آزادتر باشند، مردم رضایت و شادی بیش‌تری خواهند داشت.

### ۳. مدل و روش تحقیق

#### ۳-۱. معرفی مدل

با توجه به ادبیات موجود در زمینه اقتصاد شادی و مرور مدل‌های مطرح‌شده در مطالعات تجربی، می‌توان مدل بین‌کشوری عوامل تأثیرگذار بر شادمانی در کشورهای اسلامی را به صورت زیر نوشت:

$$\ln(hap)_{it} = \mu_i + \beta_1 \ln(inc)_{it} + \beta_2 \ln(ineq)_{it} + \beta_3 \ln(une)_{it} + \beta_4 \ln(lie)_{it} + \beta_5 \ln(rer)_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it}$$

(۱)

در رابطه فوق متغیرها به صورت زیر تعریف شده‌اند:

$\ln$ : لگاریتم طبیعی؛  $\beta_i$ : ضرایب مجهول  $i = [1, 2, 3, 4, 5]$ ؛  $\mu_i$ : اثر ثابت مقاطع؛  $\ln(hap)_{it}$ : لگاریتم طبیعی سطح شادی کشور  $i$  در زمان  $t$  (متغیروابسته). برای محاسبه سطح شادی روش‌های مختلفی براساس پرسش‌نامه‌های گوناگون وجود دارد. اما در این مقاله مشابه بسیاری از مطالعات انجام‌شده در زمینه اقتصاد شادی، شادی و رفاه ذهنی براساس شاخص رضایت از زندگی<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. چرا که در مطالعات گوناگون دیده شده که شاخص رضایت از زندگی را می‌توان معادل شادی دانست و رضایت از زندگی از اجزای شادی است. همچنین به دلیل کامل‌تر بودن اطلاعات مربوط شاخص رضایت از زندگی ترجیحاً از این شاخص استفاده شد. در روش شاخص رضایت از زندگی از فرد پرسیده می‌شود: «شما با در نظر گرفتن تمام وجوه

---

1. Grim  
2. Life Satisfaction

زندگی، چقدر از زندگی تان رضایت دارید؟». افراد در پاسخ به سؤال مذکور، عددی بین ۱ تا ۱۰ را انتخاب کرده‌اند. به تعبیری دیگر در مورد این سؤال برای مثال گفته می‌شود که فرض کنید زندگی شما مانند نردبانی دارای ۱۰ پله باشد، در یک دید کلی نسبت به زندگی تان شما روی کدام پله قرار گرفته‌اید. عدد ۱ بیانگر نارضایتی کامل و عدد ۱۰ بیانگر رضایت کامل بوده است. اطلاعات مربوط به رضایت از زندگی کشورهای مورد بررسی از پایگاه جهانی اطلاعات شادی<sup>۱</sup> جمع‌آوری شده است.  $Ln(inc)_{it}$ : لگاریتم طبیعی میزان درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) برحسب دلار آمریکا به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵) کشور  $i$  در زمان  $t$ . منبع داده‌های این متغیر، شاخص‌های توسعه جهانی<sup>۲</sup> (WDI) است.  $Ln(ineq)_{it}$ : لگاریتم طبیعی نرخ تورم (برحسب درصد) کشور  $i$  در زمان  $t$ . منبع داده‌های این متغیر، WDI است.  $Ln(une)_{it}$ : لگاریتم طبیعی نرخ بیکاری (برحسب درصد) کشور  $i$  در زمان  $t$ . منبع داده‌های این متغیر، WDI است.  $Ln(lie)_{it}$ : لگاریتم طبیعی امید به زندگی کشور  $i$  در زمان  $t$ . منبع داده‌های این متغیر، WDI است.  $Ln(rer)_{it}$ : لگاریتم طبیعی میزان محدودیت‌های مذهبی کشور  $i$  در زمان  $t$ . این متغیر نشان‌دهنده محدودیت‌های اعمال شده از سوی دولت و جامعه بر اعتقادات مذهبی مردم است. به‌طور کلی برای اندازه‌گیری این متغیر از دو شاخص محدودیت‌های دولت<sup>۳</sup> و خصومت‌های اجتماعی<sup>۴</sup> استفاده می‌شود. شاخص محدودیت‌های دولت، قوانین، سیاست‌ها و اقدامات دولتی را که سبب محدود کردن اعتقادات مذهبی و یا تغییر شیوه آنها می‌شود، اندازه‌گیری می‌کند. این در حالی است که شاخص خصومت‌های اجتماعی، اعمال محدودیت‌های مذهبی از سوی افراد خصوصی، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی را دربرمی‌گیرد. همچنین، این شاخص شامل خشونت‌های اوباش یا فرقه‌ها و آزار و اذیت در مورد نحوه پوشش که به دلایل مذهبی رخ می‌دهند و دیگر تهدیدها و

---

1. World Data base of Happiness (WDH)

1. World Development Indicators (WDI)

3. Government Restrictions Index (GRI)

4. Social Hostilities Index (SHI)

سوءاستفاده‌های مربوط به دین است.<sup>۱</sup> مقدار شاخص‌های یادشده بین دو عدد ۰ (نبودن محدودیت مذهبی) و ۱۰ (محدودیت مذهبی کامل) است که از سوی مرکز تحقیقاتی انجمن دین و زندگی عمومی پیو<sup>۲</sup> محاسبه و ارائه شده است. در این پژوهش به منظور بررسی دقیق‌تر و آزمون ثبات و استحکام نتایج به دست آمده از هر دو شاخص که از منبع یادشده جمع‌آوری شده‌اند، استفاده شده است.  $\mu t$ : اثر ثابت زمان؛  $\epsilon it$ : جزء خطا تصادفی؛  $i$ : تعداد مقاطع (کشورها)؛ در این مقاله به منظور بررسی عوامل مؤثر بر شادی در کشورهای اسلامی، از اطلاعات آماری ۳۰ کشور عضو OIC (شامل ایران) استفاده شده است. دلیل انتخاب این کشورها آن است که تمام اطلاعات و داده‌های آنها موجود بوده است. این کشورها عبارت‌اند از: آلبانی، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، کامرون، چاد، مصر، اندونزی، ایران، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، مالزی، مالی، موریتانی، نیجر، نیجریه، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، تاجیکستان، تونس، ترکیه، اوگاندا، امارات و ازبکستان.

$t$ : دوره‌ی زمانی؛ داده‌های متغیرهای تحقیق طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۷ در نظر گرفته شده است. با توجه به این که داده‌های مربوط به متغیر محدودیت‌های مذهبی تا سال ۲۰۱۲ موجود بوده است، مدل رابطه (۱)، یکبار طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۷ بدون در نظر گرفتن متغیر محدودیت‌های مذهبی (مدل اول)، یکبار طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۷ با در نظر گرفتن محدودیت‌های دولت به عنوان شاخص محدودیت‌های مذهبی (مدل دوم) و یکبار طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۷ با در نظر گرفتن خصومت‌های اجتماعی به عنوان شاخص محدودیت‌های مذهبی (مدل سوم) تخمین زده شده است. به این وسیله می‌توان حساسیت و استحکام مدل را نیز نسبت به ورود متغیرهای جدید و شاخص‌های مختلف محدودیت‌های مذهبی و همچنین بازه‌ی زمانی

1. [www.theguardian.com/news/datablog/2014/sep/20/religious](http://www.theguardian.com/news/datablog/2014/sep/20/religious)

2. Pew Research Religion & Public Life



تورش داشته باشیم (بالتاجی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). سازگاری تخمین‌زننده GMM بر اساس فرضی که بر پایه درستی آن‌ها بنا شده است، به معتبربودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون تصریح شده توسط آرانو و باند (۱۹۹۱)، آرانو و بوور<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) و بلوندل و باند<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) آزمون شود. اولی آزمون سارگان از محدودیت‌های از پیش تعیین شده است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. آماره آزمون سارگان (J-Statistic) دارای توزیع  $\chi^2$  با درجات آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد است. دومی آزمون همبستگی سریالی<sup>۴</sup> است که به وسیله آماره  $M_2$  وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم یا AR(2) در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. در این آزمون، تخمین‌زن GMM زمانی دارای سازگاری است که همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطا از معادله تفاضلی مرتبه اول وجود نداشته باشد. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی و معتبربودن ابزارها فراهم می‌کند.

#### ۴. نتایج تجربی

حال به برآورد مدل تحقیق به روش GMM می‌پردازیم. شایان ذکر است که با توجه به این‌که دوره‌ی زمانی مورد مطالعه (۲۰۰۷-۲۰۱۴) تقریباً کوتاه و هشت سال است، احتمال واگرایی در روند هر یک از متغیرها پایین است؛ بنابراین نیازی به انجام آزمون‌های ریشه واحد و هم‌انباشتگی برای بررسی وضعیت مانایی متغیرها و وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل نیست. در جدول (۱) نتایج برآورد تأثیر عوامل مؤثر بر شادمانی، به روش GMM برای ۳۰ کشور منتخب عضو OIC نشان داده شده است. بر اساس نتایج این جدول کلیه متغیرها در سطح اطمینان ۹۰ درصد معنادار بوده‌اند و دارای اعتبار آماری هستند. همچنین علامت ضرایب محاسبه‌شده متغیرهای توضیحی و

---

1. Baltagi  
2. Arellano & Bover  
3. Blundell & Bond  
4. Serial Correlation Test

ثبات آن‌ها در تمام مدل‌ها با توجه به مبانی نظری و مطالعات تجربی، انتظار ما را در تخمین مدل و صحت آن برآورده می‌کنند. در قسمت پایینی جدول (۱)، نتایج آزمون‌های تشخیصی مدل نیز آورده شده است. بر اساس نتیجه آزمون والد که از توزیع کای دو با درجه آزادی معادل تعداد متغیرهای توضیحی منهای جزء ثابت برخوردار است، فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن تمام ضرایب در سطح معناداری یک درصد در مدل‌های تخمینی رد شده و در نتیجه اعتبار ضرایب برآوردی تأیید می‌شود. نتیجه آزمون سارگان نیز، با توجه به مقدار آماره و سطوح احتمال محاسبه شده، فرضیه صفر مبنی بر عدم همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد نمی‌کند و حاکی از سازگاری تخمین‌زننده GMM است؛ بنابراین نتایج ضرایب برآورد شده از نظر آماری تأیید شده و قابل تفسیر می‌باشند. بر اساس سایر نتایج پایینی جدول (۱)، فرضیه صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی درجه اول تفاضل مرتبه‌ی اول جملات اختلال را می‌توان رد کرد، اما فرضیه‌ی صفر مبنی بر عدم خودهمبستگی سریالی درجه دوم تفاضل جملات اختلال را نمی‌توان رد کرد. بنابراین در مدل‌های تحقیق تورش تصریح وجود ندارد.

جدول (۱): نتایج برآورد مدل‌های تخمینی به روش GMM

میانگین ضرایب تخمینی	متغیر وابسته: $Ln(hap)$			متغیرهای توضیحی
	مدل سوم	مدل دوم	مدل اول	
	ضرایب تخمینی			
۰/۰۰۸	۰/۰۰۵ (۰/۰۰۰)	۰/۰۱۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷ (۰/۰۰۰)	$Ln(hap(-1))$
۰/۰۷۰	۰/۰۶۱ (۰/۰۰۰)	۰/۰۶۸ (۰/۰۰۰)	۰/۰۸۲ (۰/۰۰۰)	$Ln(inc)$
-۰/۰۱۵	-۰/۰۱۵ (۰/۰۴۴)	-۰/۰۱۲ (۰/۰۲۸)	-۰/۰۱۸ (۰/۰۲۵)	$Ln(inf)$
-۰/۰۴۲	-۰/۰۴۴ (۰/۰۰۱)	-۰/۰۳۸ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۴۵ (۰/۰۰۰)	$Ln(une)$

سنجش عوامل موثر بر شادمانی در کشورهای... ۷۹.....

۰/۴۸۰	۰/۴۸۲ (۰/۰۰۰)	۰/۴۱۵ (۰/۰۰۰)	۰/۵۴۲ (۰/۰۰۰)	<i>Ln(lie)</i>
-	-	-۰/۰۵۵ (۰/۰۴۲)	-	<i>Ln(gri)</i>
-	-۰/۰۳۸ (۰/۰۸۵)	-	-	<i>Ln(shi)</i>
-۰/۱۲۴	-۰/۱۰۲ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۸۴ (۰/۰۰۰)	-۰/۱۸۵ (۰/۰۰۰)	Constant
آزمون‌های تشخیصی				
	۸۸۱۹/۷۲ (۰/۰۰۰)	۸۸۲۴/۹۱ (۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰) ۸۸۲۵/۲۵	والد
-	۲۷/۸۱ (۰/۴۸۲)	۲۱/۷۵ (۰/۷۲۲)	۲۵/۰۴ (۰/۵۵۲)	سارگان
	-۲/۳۱ (۰/۰۲۸)	-۳/۷۲ (۰/۰۰۰)	-۳/۶۵ (۰/۰۰۰)	AR(1)
	-۰/۴۵ (۰/۶۰۸)	-۰/۰۲ (۰/۹۹۱)	-۰/۲۸ (۰/۷۸۸)	AR(2)

\* اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده سطح احتمال هستند.

مأخذ: محاسبات تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۱)، از جمله عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی (شاخص شادی) در کشورهای اسلامی، سطح درآمد سرانه است و ضریب این متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد، در هر سه مدل تخمینی با شادی و رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد. بر این اساس می‌توان گفت کشورهای با درآمد سرانه بالاتر در بین کشورهای مورد مطالعه شادتر هستند و با افزایش یک درصدی درآمد سرانه (تولید ناخالص داخلی سرانه) میزان شادی به‌طور متوسط حدود ۰/۰۷ درصد افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های تجربی بسیاری از پژوهش‌گران نظیر: فری و استاتزر (۲۰۰۲)، ون‌پراگ و کربونل

(۲۰۰۴) و ساکس و همکاران (۲۰۱۲) که نشان دهنده بالاتر بودن سطح شادی در کشورهای ثروتمندتر است، همسوست. نرخ بیکاری در هر سه مدل تخمینی (طبق انتظار)، اثر منفی و معنی داری را بر رضایت از زندگی در کشورهای مورد مطالعه داشته است. بر این اساس می توان گفت که نرخ بیکاری با شادی دارای رابطه معکوس است؛ به گونه ای که با افزایش یک درصدی در نرخ بیکاری، به طور متوسط میزان شادی ۰/۰۴۲ درصد کاهش خواهد یافت. بر اساس نتایج جدول (۱)، نرخ تورم نیز همانند نرخ بیکاری دارای اثر منفی و معنی داری بر سطح شادی در کشورهای مورد مطالعه بوده است؛ به گونه ای که با افزایش یک درصدی در نرخ تورم، به طور متوسط میزان شادی ۰/۰۱۵ درصد کاهش خواهد یافت. اما با مقایسه ضرایب تخمینی نرخ بیکاری و نرخ تورم، می توان گفت که اثرگذاری منفی نرخ بیکاری بر شادمانی در قیاس با نرخ تورم، در کشورهای مورد مطالعه بیش تر بوده است. این نتیجه هم سویی نزدیکی با نتایج مطالعات روپراه و لیوانگاس (۲۰۱۰) و بختیاری و فتح آبادی (۱۳۸۹) دارد. امید به زندگی در هر سه مدل تخمینی (طبق انتظار)، اثر مثبت و معنی داری را بر رضایت از زندگی در کشورهای مورد مطالعه داشته است؛ به گونه ای که با افزایش یک درصدی در امید به زندگی، به طور متوسط میزان شادی ۰/۴۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. نکته مهم آنست که میزان اثرگذاری این متغیر بر سطح شادمانی، بیش تر از سایر متغیرهاست. این موضوع نشان می دهد امید به زندگی که یکی از مؤلفه های اساسی توسعه انسانی است، رابطه تنگاتنگی با میزان شادی کشورهای مورد مطالعه دارد و هر چه امید به زندگی بالاتر باشد، سطح شادی نیز بالاتر است. در مورد محدودیت های مذهبی بر اساس نتایج جدول (۱)، مشاهده می شود که ضریب شاخص های اندازه گیری آن یعنی محدودیت های دولت و خصومت های اجتماعی، به ترتیب در سطوح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد منفی و معنادار است. با افزایش یک درصدی در این شاخص ها به ترتیب، سطح شادی معادل ۰/۰۵۵ و ۰/۰۳۸ درصد در کشورهای مورد مطالعه کاهش می یابد. در واقع یکی از عوامل مؤثر بر شادی و رضایت مردم از زندگی، محدودیت هایی است که دولت ها و گروه های



اجتماعی بر عقاید مذهبی مردم دارند و این سبب می‌شود گروه‌های مختلف مذهبی دارای درجات مختلفی از شادی باشند. هر چه محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و در واقع مردم در انتخاب دین و تغییر عقاید آزادتر باشند، مردم رضایت بیشتری خواهند داشت.

#### ۶. نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش شده عوامل تأثیرگذار بر شادی در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور با استفاده از اطلاعات و داده‌های ۳۰ کشور عضو OIC طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۷ و با استفاده از تحلیل‌های اقتصادسنجی و به کمک برآوردگر GMM، تأثیر درآمد سرانه، بیکاری، تورم، امید به زندگی و محدودیت‌های مذهبی بر سطح شادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که بین درآمد سرانه و شادی کشورهای مورد مطالعه یک رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به‌گونه‌ای که با افزایش یک درصدی در درآمد سرانه، به‌طور متوسط سطح شادی حدود ۰/۰۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. افزایش امید به زندگی با شادی بالاتری همراه خواهد بود و افزایش بیکاری، تورم و محدودیت‌های مذهبی سبب کاهش شادی و رضایت از زندگی مردم می‌شود. یک درصد افزایش در این متغیرها به ترتیب، به‌طور متوسط سطح شادی را ۰/۴۸۰ درصد افزایش، ۰/۴۲ درصد کاهش، ۰/۱۵ درصد کاهش و ۰/۴۷ درصد کاهش خواهد داد. با توجه به این‌که ضریب تأثیرگذاری امید به زندگی بر شادی، از دیگر متغیرهای توضیحی بیش‌تر است، می‌توان گفت که این متغیر نقش مهمی در افزایش سطح شادی در کشورهای اسلامی منتخب داشته است. بر این اساس، دولت‌های کشورهای اسلامی می‌توانند با در اولویت قرار دادن ارتقای سطح سلامت (که امید به زندگی از شاخص‌های مهم اندازه‌گیری آن است) از طریق افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش، میزان شادی و رضایت از زندگی را در این کشورها به‌میزان قابل‌توجه‌ای افزایش دهند. از سوی دیگر، براساس دیگر نتایج می‌توان ادعا کرد که تلاش در جهت کاهش میزان بیکاری، تورم و محدودیت‌های مذهبی و افزایش سطح

درآمد سرانه نقش به‌سزایی در افزایش سطح شادی در کشورهای اسلامی خواهد داشت. هم‌چنین، بر اساس مقایسه بین میزان اثرگذاری تورم و بیکاری بر شادمانی، می‌توان توجه به سیاست‌های کاهش بیکاری را نسبت به کاهش تورم، در اولویت قرار داد.

#### منابع:

- Alon, I. & Chase, G. (2005). Religious Freedom and Economic Prosperity. *Cato Journal*, 2(25): 399-406.
- Arellano, M. & Bond, S. (1991). Some Test of Specification for Panel Data: Monte Carlo Evidence and Application to Employment Equations", *Review of Economic Studies*, 58: 277-297.
- Arellano, M. & Bover, O. (1995). Another Look at the Instrumental Variable Estimation of Error Component Models. *Journal of Econometrics*, 68: 29-51.
- Bakhtiary, S. & Fathabadi, M. (2010). The Relationship between Unemployment and Inflation with Happiness and Welfare: an Experimental Study for Selected Asian Countries. *Journal of Economic Strategic*.
- Baltagi, B. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*. 3rd Edition, McGraw-Hill.
- Bartolini, S. & Sarracino, F. (2011). Happy for How Long? How Social Capital and GDP Relate to Happiness over Time. Department of Economics University of Siena, *Working Paper*, 261.
- Blundell, R. & Bond, S. (1998). Initial Conditions and Moment Restrictions in Dynamic Panel Data Models. *Journal of Econometrics*, 87: 115-143.
- Campell A., Converse, P.E., & Rodgers, W.L. (1979). The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations, and Satisfactions. 6(4): 487-490.
- Clark, A.E., Frijters, P. & Shields, M.A. (2008). Relative Income, Happiness and Utility: An Explanation for the Easterlin Paradox and Other Puzzles. *Journal of Economic Literature*, 46(1): 95-144.

- Clarke, A.E. & Lelkes, O. (2009). Let Us Pray: Religious Interactions in Life Satisfaction. *Working Paper*, 2009-01, Paris School of Economics.
- Clark, A.E., & Oswald, A.J. (1994). Unhappiness and Unemployment. *Economic Journal*, 104(424): 648-659.
- Di Tella, R., MacCulloch, R.J. & Oswald, A.J. (2003). The Macroeconomics of Happiness. *Review of Economics and Statistics*, 85(4): 809-827.
- Easterlin, R.A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. In David P.A. and Reder, M.W. (Eds.) *Nations and Households in Economic Growth: Essays in Honour of Moses Abramowitz*, Academic Press, New York and London, 89-125.
- Frey, B. S. & Stutzer, A. (2002). *Happiness and Economics, How the Economy and Institutions Affect Human Well-being*. Princeton and Oxford: Princeton University Press.
- Grim, B.J. (2012). Rising Restrictions on Religion: A Global Overview. *Brigham Young University Law Review*, 3: 834-871.
- Knabe, A. & Rätzl, S. (2010). Income, Happiness, and the Disutility of Labor. *Journal of Economics Letters*, 107(1): 77-79.
- Kula, M.C., Panday, P. & Mantia, K. (2010). Real GDP, Well-being, and Happiness. *International Journal of Arts and Sciences*, 3(7): 431 - 443.
- Li, B. & Lu, Y. (2009). Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth. *Conference on Improving the Human Destiny*, 11-12 June 2009. Ling Nan University. 1-17.
- Lim, C. & Putnam, R.D. (2010). Religion, Social Networks and Life Satisfaction. *American Sociological Review*, 75(6): 914-933.
- Mangeloja, E. (2005). Economic Growth and Religious Production Efficiency. *Applied Economics*, 37(20): 2349-2359.

- Mohammadzadeh, P., Asgharpoor, H. & Maniei, O. (2013). The Effect of Income on Labor Force Happiness in Iran. *Journal of Economic Research*, No. 48: 139-158.
- Nili, F. & Babazadeh Khorasani, B. (2012). . Identification of Factors Affecting Subjective Welfare in Iran. *Journal of Monetary and Banking Research*, 14(6): 27-48.
- Ruprah, I.J. & Luengas, P. (2010). Monetary policy and Unhappiness: Preferences over Inflation and Unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*.
- Sacks, D. W., Stevenson, B. & Wolfers, J. (2012). The New Stylized Facts about Income and Subjective Well-Being. *Emotion*, 12(6): 1181-1187.
- Stevenson, B., & Wolfers, J. (2008). Economic Growth and Subjective Well-Being: Reassessing the Easterlin Paradox. *Brookings Papers on Economic Activity*.
- Tian, G. & Yang, L. (2007). A Formal Economic Theory for Happiness Studies: A Solution to the Happiness-Income Puzzle. *Texas A&M University, Department of Economics, College Station*, 1-45.
- [www.theguardian.com/news/datablog/2012/sep/20/religious-restrictions-index-intolerance-rise](http://www.theguardian.com/news/datablog/2012/sep/20/religious-restrictions-index-intolerance-rise).
- [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org)
- [www.worlddatabaseofhappiness.eur.nl](http://www.worlddatabaseofhappiness.eur.nl).